

## زن ۳۶ساله توسط شوهر ورشکسته به قتل رسید

بدنبال اعلام این خبر بازپرس به همراه تیم بررسی صحنه جرم راهی خانه قدیمی در خیابان مجاهدین اسلام شدند. خانه‌ای دو طبقه و قدیمی که طبقه دوم آن محل جنایت بود.

با ورود به خانه با جسد زن ۳۶ ساله در حالی که آثار کیودی روی گردنش دیده می‌شد در اتاق پذیرایی مواجه شدند.کیوان، همسر مقتول که در تماس با پلیس راز این جنایت را برملا کرده بود در تحقیقات گفت: در بازار دو مغازه لوازم آرایشی و صنایع دستی داشتم اما بعد از مدتی ورشکست شدم و همین موضوع آغازی برای اختلافات بین من و همسرم شد.

او ادامه داد: دیشب پسر دو سال و نیمه‌ام طبقه پایین نزد پدر و مادرم بود. ساعت یک بامداد سر مسائل مالی با همسرم بحثم شد و این درگیری بالا گرفت. یک لحظه از روی عصبانیت دستم را روی گردنش گذاشتم و فشار دادم. به خودم که آمدم دیدم نفس نمی‌کشد، تازه آن موقع بود که متوجه شدم چه اشتباهی کرده‌ام. از ساعت یک تا ۸ صبح بالای جسد همسرم بودم و بعد از آن با پلیس تماس گرفتم. مأموران کلاتری هم راهی خانه شده و با دیدن جسد و تأیید موضوع مرا بازداشت کردند.

بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران، متهم ۶۶ ساله را در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار داد و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.



## ماجرای تلخ خیانت زن و مادر زنم

مرد جوان زمانی که همسر و مادرزنش در خانه فساد دستگیر شده بودند به دادسرا احضار شد.

مجید ۲۵ ساله در حالی که پس از دستگیری مادرزن و همسرش به دادسرا احضار شده بود گفت: مدتی پیش مادرزنم دیش ماهواره در پشت بام منزل نصب کرد. مدتی بعد مادرزنم با تلبیسات واهی «لاغری» به کلاس‌های بدنسازی رفت و از داروهایی که برای لاغری در ماهواره تبلیغ می‌شد استفاده کرد، اما چند ماه از این ماجرا نگذشته بود که متوجه شد به داروهای مذکور معتاد شده است از آن روز به بعد و با راهنمایی یکی از دوستانش که در کلاس‌های بدنسازی با او آشنا شده بود به مصرف «شیشه» روی آورد.

پسر جوان ادامه داد: وی برای تامین مخارج مواد مصرفی اش با فروشنده «شیشه» رابطه داشت و بدین ترتیب پای او به خانه‌های فساد باز شد در این میان ریحانه، همسر من نیز با تاثیرپذیری از فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای به زنی بدحجاب و بی بند و بار تبدیل شده است.

مجید گفت: تا اینکه متوجه شدم او نیز همانند مادرش به زنی بدکاره تبدیل شده است و در غیبت من به مردان هوسران خدمات شومی ارائه می‌دهد.

پسر جوان اظهار داشت: قصد داشتم که او را طلاق دهم تا اینکه پلیس با من تماس گرفت و خبر از بازداشت همسر و مادرزنم در یک خانه فساد دادند.

وی گفت: من از دادگاه تقاضای سنگسار زنم را دارم؛ بنابراین گزارش بازپرس پس از ثبت اظهارات مرد جوان دستورات لازم را صادر کرد.



### زندگی در جهنم خودساخته

زنی که برای جدایی از شوهرش در دادگاه خانواده در استان خراسان شمالی دادخواست طلاق داده است داستان زندگی‌اش را این‌طور تعریف کرد: نزدیک به ۷ سال تحقیر، توهین و کتک کاری توسط خانواده همسرم را تحمل کردم و دم نژدم چون چاره و جایی را نداشتم که بروم. با دست خودم سرنوشت سیاهم را رقم زدم و دست رد به خوشبختی که ازدواج با پسر دایمی ام بود، زدم و خودم را گرفتار رنج و بدبختی کردم. از یک دختر دانشجوی شاداب به یک زن افسرده و ناامید از آینده تبدیل شدم. زن جوان گرفتار در تله خود ساخته، ادامه می دهد: پدرم با هزار رنج و سختی خرج تحصیل من را می داد تا این که در دانشگاه قبول شدم. خانواده ام در روستا زندگی می کردند برای همین در خوابگاه زندگی می کردم. پدرم به دلیل باورهای سنتی اش اعتقاد داشت دختر باید زود ازدواج کند و سر خانه و زندگی اش برود. بعد از قبولی در دانشگاه پدرم اصرار می کرد با پسر دایمی ام ازدواج کنم. خانواده خواستگارم از نظر مالی و اجتماعی وضعیت مناسبی داشتند اما من اصلا به پسر دایمی ام علاقه نداشتم و فقط در حد فامیل او را دوست داشتم. از پدرم اصرار و از من انکار، مدام دهنم درگیر قضیه ازدواج تحمیلی بود. در کش و قوس ازدواج و لجبازی بودم که هم خوابگاهی ام به من پیشنهاد ازدواج با فرد دیگری را داد. دوستم به من گفت به جای پسر دایمی ام با پسر عمه او ازدواج کنم.

بعد از پیشنهاد دوستم بدجوری دهنم درگیر این قضیه شد و نستجیده و از وی احساسات، خانواده ام را تحت فشار قرار دادم هر طوری که شده به خواستگار شهری ام جواب مثبت بدهند وگرنه دودش به چشم خودشان خواهد رفت و مجبور می شوم خودسرانه اقدام کنم.

بالاخره با تحت فشار قرار دادن پدرم بدون انجام

### به همسر صیغه‌ای‌ام مشکوک بودم

بسیاری از پرونده‌هایی که در دادگاه‌های کیفری استان‌ها تشکیل می‌شود ریشه در پایبند نبودن افراد به اخلاقیات دارد.
باخبر شدن یکی از طرفین از خیانت یا احتمال خیانت فرد مقابل ابتدا به مشاجره و سپس به درگیری‌های خونین منجر می‌شود.
در پرونده‌ای که در دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد مردی افغان همسر صیغه‌ای اش را با احتمال اینکه مرتکب خیانت به وی شده به قتل رسانده و حالا خودش هم در آستانه مجازات قصاص قرار گرفته است.

به گزارش خبرنگار ما، سال۹۲ مأموران کلاتری ۱۵۰ تهرانسز از قتل زن جوانی در منزلش باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به نیلوفر ۳۸ساله بود که بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن به قتل رسیده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل و در اولین بررسی‌ها مشخص شد مقتول بعد از طلاق از شوهرش تنها زندگی می‌کرده است. همچنین در روند

به گزارش خبرنگار ما، تابستان ۹۵، مأموران پلیس تهران از مرگ مشکوک پسر جوانی در بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. شواهد

نشان می‌داد مقتول ۲۸ساله به نام مبین در جریان درگیری دو کارگر ساختمانی بر اثر اصابت میله به سرش مجروح شد و بعد از انتقال به بیمارستان با اثر شدت جراحات فوت کرده است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، پدر مقتول به عنوان شاهد حادثه که در محل حضور داشت در توضیح به مأموران گفت: «در لواسان ساختمانی در حال ساخت داشتم و چند کارگر آنجا مشغول کار بودند. روز حادثه همراه پسرکم که مهندس بود سر ساختمان بودم

**شکایت از ۳ بیمارستان به خاطر مرگ پسر ۸ ساله**
ظهر چهارشنبه ۱۹ دی بود که سهیل کوچولو مثل هر روز از مدرسه به خانه برگشت. اما آن روز حال پسر ۸ ساله خیلی بد بود. سهیل به مادرش گفت که در مدرسه آبیموه خورده و شاید آبیموه باعث دل درد و حالت تهوع او شده باشد شفاآتلاین سلامت مرگ ناگهانی پسر بچه ۸ساله باعث شد تا پدرش از سه بیمارستانی که برای درمان به آنجا مراجعه کرده بودند شکایت کند.
به گزارش شفاآتلاین، ظهر چهارشنبه ۱۹ دی بود که سهیل کوچولو مثل هر روز از مدرسه به خانه برگشت. اما آن روز حال پسر ۸ساله خیلی بد بود. سهیل به مادرش گفت که در مدرسه آبیموه خورده و شاید آبیموه باعث دل درد و حالت تهوع او شده باشد.
پدر سهیل در تشریح این ماجرا گفت: به تصور اینکه آبیموه باعث مسمومیت پسرم شده به اتاقش رفت تا استراحت کند اما

تحقیقات از خواستگارم و خانواده اش به حرف های دوستم که از او تعریف می کرد بسنده کردم و جواب بله دادم. بعد از ازدواج تازه متوجه حقیقت شدم. همسرم از نظر ذهنی مشکل داشت و قادر نبود خودش به‌طور مستقل تصمیم بگیرد. به علت نامناسب بودن وضعیت مالی شوهرم مجبور شدیم در یک خانه پدرش که به هر چیزی شباهت داشت به جز خانه زندگی کنیم: اتاقی که سقف اش ایرانیست و در و دیوارش سوراخ و شیشه لانه زنبور بود. خانواده شوهرم چون از نظر مالی ضعیف بودند من را تحت فشار قرار دادند تا با کمترین هزینه زندگی کنم. شوهرم به خاطر نداشتن کار مجبور بود در شهر دیگری کارگری کند و سرپرستی من را پدر همسرم برعهده داشت. بعد از تولد دو فرزندم مجبور بودم لباس های خودم و بچه هایم را داخل حیاط با آب سرد بشویم چون پدر همسرم اجازه نمی داد آبگرمکن را روشن کنم. حتی زمانی که می خواستم حمام بروم فقط ۳ دقیقه وقت داشتم خودم را بشویم، بعد از آن پدرشوهرم آب را روی من قطع می کرد. برای همین قبل از رفتن به حمام مقداری آب روی تک شعله دور از چشم خانواده همسرم گرم می کردم و داخل حمام می گذاشتم تا بتوانم بعد از قطع شدن آب استحمام کنم. خیلی تحت فشار بودم و هر بار که فرزندانم مریض می شدند پدر همسرم پول ویزیت دکتر به من نمی داد و اگر اصرار می کردم مرا کتک می زد.

می سوختم و می ساختم چون خودم این‌را راه را انتخاب کرده بودم و روی بازگشت و بازگو کردن این قضیه را به خانواده ام نداشتم و به نوعی در جهنم خودساخته ام زندگی می کردم. بعد از این اتفاقات رابطه ام با دوستم که این آش را برام پخته بود شکراب شد و با او قطع رابطه کردم. یک روز که از شدت گرسنگی به بچه هایم فشار آمده بود و پولی برای خرید گوشت نداشتم یکی از کیوت‌های

«ما شهرستان زندگی می‌کردیم. نیلوفر بعد از ازدواج به تهران آمد، اما به دلیل اختلاف با شوهرش طلاق گرفت. خیلی اصرار کردم تنها نماند و به شهرستان برگردم، اما قبول نکرد. همین پنهان‌های بود با ما تماس نداشته باشد و ما هم از او آدرسی نداشتیم باشیم. این گذشت تا اینکه فهمیدم دخترم به قتل رسیده است.

برای متهم درخواست قصاص دارم.»
در ادامه فرزند آن نرسز در جایگاه قرار گرفت و گفت: «بعمد از جدایی پدر و مادرم به شهرستان رتم و با پدرم زندگی می‌کردم. او اجازه نمی‌داد با مادرم رابطه داشته باشم تا اینکه فهمیدم مادرم کشته شده است و من از متهم درخواست دیه دارم.»

سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: «چند ساه قبل از حادثه با نیلوفر آشنا شدم و فهمیدم مطلقه است و از شوهرش جدا شده است. نیلوفر پیشنهاد داد به شرط پرداخت خرج ماهانه‌اش او را صیغه کنم. از آنجائیکه مجرد بودم

شوهرم را سر بریدم و برای آن ها غذا درست کردم، وقتی شوهرم فهمید من را زیر مشت و لگد گرفت و از خانه بیرون کرد. به ناچار به خانه پدرم رفتم اما آن ها دوباره من را به زور پیش شوهرم برگرداندند تا مبادا سر بارشان شوم. حتی برای تهیه لباس برای بچه هایم همسایه ها کمک می کردند و در قفسر و بدبختی کامل غوطه ور بودیم.

قبل از ازدواج می خواستم از خواستگار اولم که پسر دایمی ام بود فرار کنم اما نمی دانستم خودم را تیره بخت می کنم. شوهرم حتی با یک دختر دوست شده بود و با افتخار این موضوع را به همه می گفت. وقتی به آن دختر اعتراض کردم که چرا این کار را کرده و تلفنی با همسرم در ارتباط است؟ در جوابم گفت: به خاطر این که دلش به حال شوهرم سوخته این رابطه تلفنی را پذیرفته است تا شوهر کم ذهنم دلش خوش باشد که خاطرخواه دارم.

نزدیک به ۷ سال تحقیر، توهین و کتک کاری خانواده همسرم را تحمل کردم و دم نژدم چون چاره و جایی را نداشتم که بروم. با دست خودم سرنوشت سیاهم را رقم و دست رد به خوشبختی ام زدم و گرفتار رنج و بدبختی شدم.

از یک دختر دانشجوی سرحال و خوش خنده به یک زن افسرده و ناامید از آینده تبدیل شدم. وقتی دیدم دیگر شانه هایم تحمل این شرایط سخت و زندگی بدون عشق و محبت را ندارد حاضر شدم از دو فرزندم بگذرم و حضانت شان را به خانواده همسر و شوهرم بسپارم تا از آن خانه نجات پیدا کنم. برای همین درخواست طلاق دادم تا شاید راه درستی را در پیش بگیریم و زندگی تباه شده ام را بسازم.

این عاقبت ندانم کاری و گرفتن تصمیم مهم ازدواج بدون مشورت و تحقیقات لازم است که به جای دانشگاه سر از خرابه درآوردم.

قبول کردم. چند هفته نگذشته بود تا اینکه یک شب وقتی مقابل خانه‌اش رفتم دیدم مرد غریبه‌ای از خانه‌اش بیرون آمد. با ناراحتی زنگ زدم و همسرم در را باز کرد. با او در مورد آن مرد غریبه صحبت کردم، اما ظفره رفت و گفت: اشتباه می‌کنم. معلوم بود دروغ می‌گوید و بیراهه می‌رود به همین دلیل تصمیم گرفتم او را خفه کنم.»

قاضی گفت: تو از کجای می‌دانستی که آن مرد با همسرت رابطه داشت؟ متهم گفت: من حدس زدم. قاضی گفت: تو به خاطر حسدی که زدی مرتکب قتل شدی؟ (متهم سکوت کرد). قاضی گفت: چرا برای ادعایی که داشستی به اداره پلیس نرفتی و شکایت نکردی؟ (متهم سکوت کرد). متهم در آخرین دفاعش گفت: «بعد از قتل بلافاصله از خانه بیرون آمدم تا اینکه مأموران مرا دستگیر کردند. مقتول با من ازدواج کرده بود و اجازه نداشت با مرد دیگری رابطه داشته باشد.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

برادرم بود و پسر تنبلی بود. او همیشه کارهای سخت را به من می‌سپرد و از زیر کارها در می‌رفت. روز حادثه از او خواستم کاری انجام دهد، اما باز ظفره رفت به همین دلیل عصبانی شدم و تصمیم گرفتم او را ادب کنم. همین‌بانه درگیری شد و در آن درگیری شیشه تلویزیون شکست و دعوا بالا گرفت. با پیمانکار ساختمان تماس گرفتم، اما او هم وقتی سرر ساختمان رسید توجهی به حرف‌هایم نکرد. فکر کردم می‌خواهد مرا فریب دهد به همین دلیل از شدت عصبانیت یک میله گرد برداشتم و به طرفش پرتاب کردم. همان لحظه او جا خالی داد و میله گرد به گردن پسر صاحب ملک برخورد کرد.» متهم در آخرین دفاعش گفت: «در این مدت مقتول را فقط یکبار دیدم و آدم شریفی بود. خدوستی هم با او نداشتم و درگیری بین ما دو برادر بود. هادی جلوی همه به من فحاشی کرد و پیمانکار هم به جای نصیحت هادی قصد داشت مرا آرام کند. همین باعث شد بیشتر عصبانی شوم و میله گرد را پرتاب کنم، اما اشتباهی به طرف مقتول رفتم و به گردنش برخورد کرد. از اولیای دم درخواست گذشت دارم.» در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

پدر سهیل ادامه داد: آنها قصور کردند و حتی یک سونوگرافی انجام ندادند که علت این حال بد پسرم را متوجه شوند. اگر از همان زمان تشخیص داده بودند پسرم الان زنده بود. سهیل پسر آرام و مهربانی بود و اصلاً نمی‌توانم با این مسأله کنار بیايم که در عرض کمتر از ۲۴ ساعت پسرم را از دست دادم. پسری که هیچ مشکلی نداشت و به خاطر اهمال پرسنل بیمارستان‌ها این اتفاق برای او رخ داد.

باتوجه به حساسیت موضوع تحقیقات به دستور بازپرس جنایی آغاز شد. از آنجایی که خانواده پسر ۸ ساله از کادر درمان بیمارستان‌ها شکایت داشتند به دستور بازپرس جنایی، پرونده مرگ سهیل برای تحقیقات به دادسرای جرایم پزشکی ارجاع شد تا با تحقیقات صورت گرفته قصور کادر درمانی بیمارستان‌ها مشخص شود.

## کلاهبرداری با فروش آبگرمکن

مردی که با شگردي خاص دست به کلاهبرداری در فضای مجازی زده است، به تله افتاد.

سرهنگ تورج کاظمی، رئیس پلیس فتای تهران، درباره دستگیری کلاهبردار ۱۵۰میلیونی در فضای مجازی اظهار کرد: در بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد این کلاهبردار تاکنون از ۶۰ نفر برای فروش آبگرمکن دیواری مبالغی را دریافت کرده است.

وی درخصوص شگرد این کلاهبردار افزود: در صورت تمایل خریدار آبگرمکن، کلاهبردار نیز برای خرید دستگاه بازی با همین قیمت اقدام می‌کرد. سپس کلاهبردار شماره حساب فروشنده دستگاه بازی را به خریدار آبگرمکن می‌داد و در نتیجه خریدار آبگرمکن مبلغ پول را برای فروشنده دستگاه بازی واریز می‌کرد و این موجب می‌شد ردی از کلاهبردار در میان نباشد.

رئیس پلیس فتا ادامه داد: پس از واریز پول از سوی خریدار آبگرمکن، دیگر کلاهبردار جواب تلفن وی را نمی‌داد، اما پیکي برای گرفتن دستگاه بازی می‌فرستاد تا دستگاه بازی را دریافت کند.

سرهنگ کاظمی گفت: متأسفانه با وجود تمام توصیه‌های پلیس و صاحبان سایت‌ها مبنی بر اینکه هرگز پیش از دریافت کالا هزینه‌ای را پرداخت نشود و حتما برای دریافت کالا به محل زندگی یا مغازه فروشنده مراجعه شود، تا در صورت بروز مشکل فرد خاطی را بتوانند به پلیس معرفی کنند، اما با یک اعتماد، هزارگونه مشکل پیش می‌آید که کار شناسایی مجرمان را زمان‌بر و مشکل می‌کند.

## کشف هیزم قاچاق در کازرون اسلحه شکار چیان توقیف شد

مدیرروابط عمومی حفاظت محیط زیست استان فارس از کشف حدود ۱۰۰ کیلوگرم هیزم از یک خودرو در کازرون خبر داد.

به گزارش روابط عمومی حفاظت محیط زیست فارس، زارع گفت: ماموران یگان حفاظت شهرستان کازرون از یک دستگاه خودروی پیکان مقدار ۱۰۰ کیلوگرم هیزم به همراه یک قبضه اسلحه ساچمه زنی و ۲ دستگاه اره برقی کشف و ضبط کردند.

زارع با بیان اینکه متهم مرتبط با هیزم قاچاق در تنگ ابوالحیات و با همکاری نیروی انتظامی دستگیر شده است، به توقیف خودروی پیکان نامبرده اشاره کرد.

وی همچنین از کشف و ضبط ۲ قبضه اسلحه شکاری و مقداری گوشت شکار در شهرستان لامرد خبر داد و گفت: محیط بانان منطقه شکارممنوع «کوه هوا» بعد از دو ساعت جست و جو، ۲ شکارچی غیرمجاز سابقه دار را در حال حمل لاشه حیوانات شکار شده مشاهده کردند. زارع با بیان اینکه شکارچیان شناسایی شده از عشایر ساکنن کوه هوا بودند، گفت: محیط بانان بعد از هماهنگی با مرجع انتظامی و قضایی، از جادر متخلفان بازرسی کرده و مقداری گوشت حیوان وحشی متعلق به ۲ راس قوچ و میش به همراه ۲ قبضه اسلحه برنو و پنج تیر کشف شد.

## شکار چیان قوچ و میش وحشی در دام محیط بانان

مسئول روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست فارس از دستگیری شکارچیان قوچ و میش وحشی در کوه هوای لامرد خبر داد.

زارع مسئول روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست فارس در گفتگو با خبرنگار گروه استان های باشگاه خبرنگاران جوان از شیراز، اظهار کرد: محیط بانان منطقه شکارممنوع کوه هوا که به منظور کنترل و تامین امنیت وحوش اقدام به برپایی چادر کرده بودند با شنیدن صدای شلیک گلوله و پس از حدود دو ساعت جستجو ۲ نفر شکارچی سابقه دار را که لاشه ۲ راس حیوان وحشی را با خود حمل می‌کردند مشاهده کردند. وی تصریح کرد: شکارچیان متخلف دارای ۲ قبضه اسلحه سمینوف و برنو بوده و از عشایر ساکن کوه هوا بوده که به سمت چادرهای سکونت خود در حرکت بودند.

زارع ادامه داد: با توجه به تاریک شدن هوا و ضرورت هماهنگی با ماموران انتظامی محیط بانان چادر را زیر نظر گرفته و پس از گرفتن دستور قضایی و بازرسی از جادر متخلفان مقداری گوشت حیوان وحشی متعلق به ۲ راس قوچ و میش وحشی کشف و ۲ قبضه اسلحه برنو و پنج تیر بران کشف و ضبط شد.

مسئول روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست فارس اضافه کرد: به منظور یافتن اسلحه سمینوف متهم پس از دستگیری جهت تحقیقات بیشتر در اختیار نیروی انتظامی قرار گرفت.

